

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: گرامی یاد داکتر رحیم محمودی
تایپ و ارسال: فائزه محمودی
۱۵ جنوری ۲۰۲۵

این دم شیر است به بازی مگیر

(۱)

لشکر پولائی اسکندری
با همه فرماندهی و افسری
کرد تعرض به سر خاک ما
بی خبر از مردم بیباک ما
ماند در این ورطه بسی سال و ماه
در خم تسخیر نیابید راه
بود در این گردش و هنگامه ای
یافت ز مام از وطنش نامه ای:
کز چه شدی غرقه در این پیچ و تاب
لشکر تو از چه نیارند تاب
پاسخ او بود به مادر چنین
کی تو زن و بانوی یونان زمین
لشکر ما است شجاع هم دلیر
لیک مواجه است به پنجال شیر
تاب نیاورده زبون است و زار
راه نیابیده جز عزم فرار
مردم این خطه بسی جنگجوست
بچه آزادی و فرزند کوهست
باختری آهن و سنگ است و کوه
دیده تسلیمی از آنان مجو

این دم شیر است به بازی مگیر
دست مینداز به پیکان و تیر
ای شریر! ای شریر!

تیمور و آتیلا و چنگیز شوم
هر سه نمودند به خاور هجوم
شد وطن از حمله این وحشیان
مرده و افسرده چو برگ خزان
طفل بکشتند و زن و مرد ها
وادی ما گشت چو ماتمسرا
غصه ببارید و غم و مرگ کین
خاره و ویرانه شد این سرزمین
کشت و زر و بره ما چور شد
وضع وطن زخم ناسور شد
مردم ما دست به شمشیر بود
ثابت و رزمنده و سر تیر بود
جنگ نه ایستاد در ایام شان
رخت ببستند از این آشیان
رمز سخن رفت که ای جانیان
نیست در این خطه شما را امان
این دم شیر است به بازی مگیر
دست مینداز به پیکان و تیر
ای شریر! ای شریر!

ادامه دارد